



سخنرانی محترمه جمیله ناهید, شخصیت شناخته شده سیاسی, مبارز فعال حقوق زن و یکی از پیشکسوتان جنبش زنان کشور

در نخستین نشست زنان نهضت دموکراسی و ترقی افغانستان در اروپا

دوستان گرامی !

ما امروز درینجا گرد هم آمده ایم تا درباره یکی از اساسی ترین مسائل مطرح در برابر کشور ما صحبت بکنیم . این مسئله نه تنها بخاطری اساسی است که زن در وطن ما همواره در مقام مظلوم و ستم دیده همیشگی قرار داشته است، بلکه بخاطر آن نیز که پیشرفت کشور ما و خارج شدن آن از وضعیت مصیبت بار کنونی، در پیوند مستقیم با سرنوشتی قرار گرفته است که نیرو های سیاسی جامعه برای زنان پیشبینی میکنند.

در ورای سطح رشد اقتصادی – اجتماعی و خصوصیات و سنتهای ملی ما، زنان همواره و تاکنون بدرجات مختلف مورد تعدی و بی انصافی قرار داشته اند. وضع کنونی زنان در کشور ما به دلایل بسیار روشن بطور غم انگیزی نا مساعدو رنج آور است. زنان در تاریخ معاصر کشور ما با قبول دشواری های فراوان پرچم مبارزه به خاطر رهائی از قید و بندمناسبات ظالمانه ای را که متأثر از سنتها و قواعد اجتماعی، طبقاتی و روانی است بدوش کشیده اند. در تاریخ معاصر کشور ما طلوعه آزادی زنان برای مدت کوتاهی در دوران سلطنت امان الله خان درخشید و زود به خاموشی گرائید. ولی چند دهه بعد زنان

افغانستان در پیوند منطقی با جنبش ترقی خواهانه عمومی مردم ماتوانستند با استفاده هوشیارانه از عقب نشینی رژیم شاهی و تصویب قانون اساسی در دهه چهل خورشیدی، مبارزات حق طلبانه خود را به شیوه نوین سازمان بدهند. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در این زمینه نقش عظیم تاریخی را ایفا نموده است.

بار دیگر در دهه هشتاد، زنان بمتابۀ عضو تام الحقوق جامعه ما در تمام عرصه های زندگی تبارز کردند. در این دوران بنیادی ترین حقوق زنان در سطح قوانین کشور مسجل شد و زنان، در سراسر کشور با ایفای نقش شایسته خویش گامهای بزرگی به جلو گذاشتند.

بسادگی میتوان گفت که این دوره بمتابۀ نمونه بارزی از قرارگرفتن زنان در مسند شایسته خویش ثبت تاریخ و نمونه درخشانی برای نسلهای بعدی خواهد بود. ولی متأسفانه این تنها یک بخش مساله را منعکس میسازد؛ بخش دیگر و شاید هم عمده تر آن عبارت از این واقعیت تلخ است که حتی در همین دوران مساوات زن و مرد در برابر قانون، روان جامعه ما و حکمروائی عرف و سنن مجالی برای نهادینه شدن این روند باقی نگذاشت.

در دوران رکود جنبش ترقی خواهانه کشور، زنان بیشترین صدمه ورنج و عذاب را متحمل شدند. روزگار تسلط جهالت در افغانستان نیز که در اوج استبداد و خشونت علیه زنان سیر کرد، در تاریخ جامعه بشری به مثابه نمونه بارزی از برخورد حیوانی با نیمی از جامعه ثبت شده است.

اقداماتی که امروز در قبال زنان در کشور ما رویدست گرفته شده است، نمایشی بیش نیست. سر دمداران رژیم هیچگونه برنامه بنیادی ای را برای احقاق حق مسلم زنان مطرح نساخته اند. امروز علیرغم حضور نمادین عده انگشت شماری از زنان در پارلمان و ارگانهای دولتی، هیچ گونه نقش با اهمیتی در زندگی مردم ما برای آنان در نظر گرفته نشده و زمینه های سهم گیری زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی هر روز در زیر تهدید تفنگ داران و حکمرانان مافیائی محدودتر می گردد.

زن افغان که در تحت ستم چند گانه اجتماعی، فرهنگی، سنتی و حتی خانوادگی قرار دارد، در شرایط کنونی در فضائی که مرد سالاری دست بالا دارد، دوران دشوار تری را از سر میگذراند. صحنه های دلخراش و تکان دهنده فروش زنان در بازار های کار و تن، تیزاب پاشی، شلاق زنی، ازدواجهای اجباری، خشونت های خانوادگی، سوزاندن و خود سوزی ها همه و همه ناشی از تسلط شرایط قرون وسطائی مرد سالاری عقب مانده سنتی است. یکی دیگر از نمونه های وحشت انگیز این برخورد ظالمانه غیر انسانی تصویب قانون احوال شخصی شیعیان افغانستان است که در زیر ریش اختیار

داران خارجی باصطلاح متمدن، در پارلمان مورد تصویب قرار گرفت. چنین هتک حرمتی نسبت به مقام زن در صورت موجودیت یک رژیم ترقی خواه و انسان دوست میتواند فرسنگها از تصور بدور باشد، ولی امروز کشور بی چاره ما در دام جهالت و بی عدالتی و بی پناهی در گیر است و زنان بیچاره کشور ما اسیر تر از هر وقت دیگر هستند و ناگزیرند این هتک حرمت را تحمل کنند.

از آنجائیکه زنان نیمی از جامعه را تشکیل میدهند در مبارزه اجتماعی نیز علیرغم ویژگی های مبارزاتی نمیتوانند از مبارزات ترقی خواهانه مردم بدور باقی بمانند. احزاب سیاسی، مسئولیت عظیمی را در قبال زنان ازین دیدگاه بعهدہ دارند. احزاب ترقی خواه بالطبع در این مورد دید روشن تر دارند ولی برخورد بعضی ها مبتکرانه و فعال و برخی هم انفعالی و نمایشی است. نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان افتخار دارد که از سنتهای پسندیده سیاسی گذشتگان و از روش و برخورد فعال، منطقی و صادقانه در این زمینه پیروی می کند. در این راستا تعیین رفیق ما، نفس جهید، بحیثیت کاندید معاون دوکتور حبیب منگل در انتخابات ریاست جمهوری یک امر تصادفی نبوده و ناشی از اعتقاد نهضت به ضرورت حضور زنان در تمام عرصه های زندگی سیاسی و اجتماعی میباشد. زیرا نیروهای ترقی خواه مبارزه بخاطر رهائی زنان از قید و بند اسارت قوانین، عرف و عادات ظالمانه اجتماعی را جزئی از مبارزه عمومی خویش برای آزادی و ترقی مجموع جامعه میدانند.

در شرایط بحران های عمومی، زنان بیشتر از مردان در مقیاس های بزرگتر در مرکز خرابکاریهای بحران قرار میگیرند. کشور ما که سالها است در عمق بحران دست و پا می زند، زنان را بیشتر از شرایط عادی در معرض دشوارترین آزمونها قرار داده، رنجهای عظیم را بر آنها تحمیل کرده و روح و روان آنان را شکننده و صدمه پذیر ساخته است. زنان افغان در مبارزه بخاطر احقاق حقوق مسلم خود صدمات فراوانی را متحمل شده اند.

متأسفانه حوادث بیست سال اخیر کشور ما طوری پیش آمد که همراه با مردان، بخش قابل ملاحظه ای از زنان روشن فکر کشور نیز در سراسر دنیا پراکنده شدند. این وضع بطور مسلم جنبش زنان در داخل کشور را با دشواری های باز هم بیشتر مواجه ساخته است. ولی جای شکر باقی است که زنان آگاه کشور احساس مسئولیت در قبال سرنوشت بقیه زنان کشور را از یاد نبرده اند و امروز مبارزه بخاطر رهائی زنان از قید و بند قوانین، عرف و عادات و شیوه زندگی تحمیل شده کنونی بر مردم ما و بخصوص بر زنان کشور، در بیرون مرز های افغانستان نیز سر و سامان می یابد. من معتقدم که تشدید و توسعه این مبارزه شریفانه کمک بزرگی در جهت تغیر ذهنیتها از یکسو و تحت

فشار قرا دادن مقامات تصمیم گیرنده افغانستان از جانب دیگر، در جهت بهبود نسبی وضع زندگی زنان کشور خواهد بود. ما زنان افغانستان که از مسئولیتهای تاریخی خویش آگاهی داریم و امروز در شرایط مساعد اروپا زندگی میکنیم، حق نداریم لحظه ای هم زنان ستمدیده افغانستان را که در بحرانی ترین وضع و دشوارترین شرایط بسر می برند، از یاد ببریم. شیوه های متنوع و گوناگون کمک به زنان افغانستان وجود دارد که باید متناسب ترین آنها را برگزیده و در عمل به تحقق برسانیم. زنان افغانستان در شرایط غم انگیز کنونی حق مسلم و بزرگی را برگردن همه ما دارند.

بیانید برای راحتی زنان افغانستان از بخشی از آنچه در مقایسه با افغانستان در اینجا امتیاز نامیده میشود بگذریم و با قبول کمی فداکاری و کمک، دشواری زندگی آن خواهران و مادران دردمند را کمتر بسازیم. باید آنچه از دست ما ساخته است به عنوان وظیفه ای انسانی و عدول ناپذیر به زنان افغانستان کمک برسانیم.

اگر بخواهیم عملی صحبت کنیم، من فکر میکنم که زنانی که در گذشته از مدرسه سازمان دموکراتیک زنان افغانستان گذشته اند، باید بتوانند تجارب سیاسی و سازمانی خود را بیدریغانه در اختیار همزمان امروزی ما در کشور قرار بدهند. برای این کار، ما میتوانیم شیوه های مختلف را جست و جو و عملی سازیم. ما و شما رفقایی که اینجا نشسته اید و آنانی که در جلسه ما حضور ندارند، میتوانیم پروژه هایی را برای همراهی کمیته های شهری یا ولایتی نهضت فراگیر در افغانستان رویدست بگیریم. اینکار را میتوانیم دو سه نفر مشترکا یا به تنهایی انجام دهیم. ضرور نیست که این همراهی، کمک مادی را نیز احتوا کند. ما با شناختی که از کابل و ولایات داریم، میتوانیم مثلا با کمیته زنان نهضت در مزار شریف یا یک شهردیگر در تماس دوامدار قرار بگیریم. از آنان بیاموزیم و به آنان مشوره بدهیم. ببینیم چه مشکلات دارند، چگونه میتوانند کار خود را بهبود ببخشند؟

آنهايي که از جمع ما توان بیشتر دارند، میتوانند زنان و دختران جوان تر نهضت فراگیر را زیر قیمومیت مستقیم بگیرند. به آنها بیاموزند که چگونه کار کنند، مطالعه کنند، درس بخوانند و به رهبران آینده جنبش ترقیخواهانه مبدل شوند. این زیبا ترین کاریست که میتوانیم انجام بدهیم. تصور کنید، دختر هموطن و همفکری که امروز نمی شناسیمش، با تجربه یی که ما گرفته ایم و دینی بر گردن ماست، به پای خود ایستاد میشود.

امر مسلم است که ما تنها نهضتی نیستیم و بحیث زنان افغان در برابر همه هموطنان خود احساس مسئولیت میکنیم. ما باید رابطه نزدیک و متداوم را با گروههای هرچه وسیع تر از زنان افغانستان برقرار سازیم. در اروپا و در افغانستان. امروز اینترنت پنجره فراخی را بروی بشریت گشوده است که از ورای آن میتوان در یک چشم بهم زدن در دورترین

نقاط دنیا حضور پیدا کرد. بهر اندازه ای که زنان از اروپا با زنان داخل کشور در تماس نزدیک قرار داشته باشند، بهمان پیمانه کمک به آزادی زن انجام خواهند شد. این رابطه میتواند نوجوانان باشد و از ارتقای روحیه مبارزه بخاطر احقاق حقوق آنان گرفته تا برآه انداختن کورسهای آموزش زبان و مهارت های حرفوی ابتدائی برای یافتن کار و راه یافتن در درون جامعه، تنظیم گردد.

مطلب مهم دیگر اینست که نسل کنونی زنان مهاجر افغانستان از تجربه کاری و آموزگاری وسیعی برخوردار میباشد. باید از این امکانات استفاده لازم را برد. تجربه نسل ما باید در جهت پرورش نسل جوان وسیعاً مورد استفاده قرار گیرد. تجارب سه دهه اخیر زنان افغانستان که گنجینه پر بهائی را میسازد باید از طریق نوشتن مقاله ها و یاد آوری خاطرات و برآه انداختن مباحثات جالب و جذاب به نسل دردمند جوان زنان افغان انتقال یابد.

ما زنان افغان باید در جهت ایجاد نشرات اختصاصی زنان بکوشیم. مطالب و موضوعات مختص به زنان به پیمانه عظیمی وجود دارد که باید در سطح وسیع و عمومی مورد ارزیابی قرار بگیرد.

امروز ادبیات اختصاصی زنان افغانستان در سطح نازلی قرار دارد و این ناشی از شرایط فوق العاده ناگواری است که بر زنان کشور تحمیل شده است. بناً یکی از عرصه های کاری بی نهایت با اهمیت کار در این جهت میباشد. خوشبختانه نسل نوین نویسندگان زن افغان که عمدتاً در ایران پرورش یافته اند، در رسانه های داخل و بیرون مرزی درخشش چشمگیری دارند ولی متأسفانه این نیروی قابل ملاحظه بطور لازم در جهت طرح و توضیح وضع عمومی زنان کشور معطوف نیست و ادبیات با خصوصیات زنانه در کشور ما رواج چندانی ندارد. شاید این یکی از عرصه های جدی کار فرهنگی باشد که ما بتوانیم با سمت دادن درست استعداد ها و تلاشهای موجود، گامی در جهت بیداری و در نتیجه آزادی زنان کشور برداریم.

ما باید در جهت توسعه روابط با دوستان و نزدیکان خود ما که در وطن زنده گی میکنند، بکوشیم. اگر خلاصه کنم، ما میتوانیم جاده وسیع رابطه با داخل کشور را به منظور بهبود شرایط کار و زندگی زنان افغانستان و ارتقای نقش آنان در مجموع زندگی اجتماعی باز کنیم.

این کار، همت میخواهد که شما عزیزان از ان سرشار هستید و تبادل نظر میخواهد که ما باید آنرا آغاز کنیم و به فرجام برسانیم.

تاریخ گواهی میدهد که آزادی واقعی زن، بدون آزادی مجموع جامعه امریست امکان ناپذیر. بدین جهت تلاش بخاطر پیوند زدن مبارزه زنان برای آزادی، برابری و رعایت مقام آنان در زندگی اجتماعی و خانوادگی، با مبارزه همگانی خلق ما در راه آزادی و برابری، یک وظیفه مقدس و شیوه درست مبارزه بخاطر آزادی و بهروزی زنان میباشد.